ممانعت علامه کاشف الغطاء از توهین به اهل سنت!

از معضلات زمان علامه کاشف الغطاء که ایشان در حل آن، نقش کلیدی ایفا کرد، بحث توهین و اهانت به اهل سنت بود که به منزله معضلی فراگیر، امنیت داخلی عراق و نیز وحدت مسلمانان را تهدید می‌کرد. این واقعه نیز در سال ۱۳۵۳ ق به وقوع پیوست.(جنه المأوی، ص۸) شرح واقعه چنین بود که: در شهرهایی چون نجف اشرف، کربلای معلا و نیز دیگر شهرها و روستاهای عراق، عادت زشت و مذمومی در دهه اول ربیع الاول وجود داشت و آن این که افرادی که عمدتا از عوام الناس بودند، با طبل و دهل و ایجاد صداهای نابهنجار، در روز نهم ربیع الاول به کوچه و خیابان و حتی بر سر قبرهای علما و داخل صحن امام علی(ع) می‌آمدند و به اهل علم و طلاب اهانت می‌کردند و خلاصه هر منکری را در این روز، جایز می‌دانستند! و این سنت، چنان در کشور عراق جا افتاده بود که به صورت یک عادت مذموم عمومی در آمده بود و حتی عالمان نیز توان رویارویی با آن را نداشتند. بعد از این بود که علامه کاشف الغطاء تصمیم گرفت برای حل بحران و جلوگیری از توهین به سنی‌ها و نیز اعمال منکری که این عده انجام دادند، وارد میدان شود.

پس با درک اهمیت این قضیه و احساس تکلیف، با علما و بزرگان، جلسه‌ای برگزار کرد و با بیان این مطلب که: «دیر زمانی است این عادت زشت در بین اراذل و اوباش رخنه کرده و ریشه کن کردن آن، امری محال به نظر می‌رسد»، گفت: «بیم آن می‌رود اگر شما هم به منبر بروید، [و] در همان حال، باز آنها با نواختن طبل و دهل، مانع ایراد سخنرانی شوند که در این صورت، فاجعه عظیم تر است».(موسی نجفی، تعامل دیانت و سیاست در ایران، ص ۲۹۱)

وی با تبیین اهمیت این مسئله و این که روزی این عادت زشت و مذموم، دامان علما و مراجع را نیز خواهد گرفت، خواستار راهکاری برای حل آن شد، چرا که به باور ایشان اگر این کار انجام نشود، فاجعه عظیم تری رخ خواهد داد. به هر حال، وی با پیش گامی در این راه، اقدام برای حل این معضل را حتی در صورتی که این بحران، حل نشود، ضرورت دانست و به بزرگان و خیراندیشان حاضر در جلسه گفت:

«من با توکل بر خدای تعالی، در این راه، فداکاری می‌کنم. اگر موفق شوم، خداوند را به شکرانه چنین منتی که بر من نهاده، سپاس میگویم، اما در صورت عدم موفقیت، مسئولیتی بر عهده نخواهم داشت. من

اعلام می‌کنم عصر امروز، سوم ربیع الاول در صحن شریف، منبر خواهم رفت».(همان)

امام کاشف الغطاء، عصر همان روز در صحن شریف امام علی(ع) به منبر رفت و در حالی که مردم از قشرهای مختلف در آنجا حضور داشتند و اراذل و اوباش هم چنان مشغول نواختن طبل و دهل بودند، با ایراد سخنرانی، که حدود دو ساعت به طول انجامید، با بیان خطرهای چنین اعمالی و هم چنین حرمت این نوع کارها، چنان تأثیری بر قلوب حاضران گذاشت که بعد از مدت اندکی، ریشه این عادت زشت و ناپسند در شهرهای عراق از بین رفت و دیگر اثری از این اعمال باقی نماند.

البته بیان این مسئله نیز حائز اهمیت است که شاید این شبهه پیش آید که: چگونه عالمی در آن شرایط و در شرایطی که افراد به این عادت زشت عادت کرده بودند، توانست با یک سخنرانی، آن را حل کند. ولی باید در پاسخ به این مهم اشاره کرد که شخصیت مرحوم کاشف الغطاء از چنان جامعیت و نفوذی برخوردار بود که نفوذ کلامش بسیار عمیق بود و این نشئت گرفته از همان خلوص و تقوا و ارتباط با خداوند متعال بود که پیش تر نیز هرچند کوتاه به یادها آوردیم. اخوت

منبع: کتاب اندیشه سیاسی علامه کاشف الغطاء، صص۱۵۱-۱۴۹